





دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد گروه برنامه ریزی توسعه منطقه ای

بررسی عوامل عمده مؤثر بر نابرابریهای توسعه منطقه ای استانهای
ایران با تأکید بر استان کردستان
طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵

استاد راهنما: دکتر محمد شیخی

استاد مشاور: دکتر محمود جمعه پور

استاد داور: دکتر خلیل کلانتری

دانشجو: اکبر ویسی

تابستان ۱۳۸۹

این پایان نامه را تقدیم می‌کنم:

به پدر و مادرم: آنان که نمونه کامل از ایثارند.

به برادران و خواهرانم:

به همسرم: که در طول تحصیل به جای گفتن و شنودنم، خواندن و نوشتنم را شاهد بودند.

و

به فرزندم

آریان

که لمظات انجام این پایان نامه متعلق به او بود ولی ...

الهی دلی ده که در شکر تو جان بازیم و جانی ده که کار جهان سازیم .
الهی دانایی ده که از راه نیافتیم و بینایی ده که در چاه نیافتیم .

با سپاس فراوان از استاد ارجمند **دکتر محمد شیخی** که در طول تحصیل فراوان از او آموختم و انجام این پژوهش بدون راهنمایی های ارزنده و دقت نظر ایشان میسر نبود.
با سپاس فراوان از استاد ارجمند **دکتر محمود جمعه پور** که مانند دوستی بزرگ همیشه در کنارمان بود و مسئولیت مشاوره را عهده دار شدند.
با سپاس فراوان از استاد ارجمند **دکتر خلیل کلانتری** که قبول زحمت داوری پایان نامه را عهده دار شدند.

چکیده:

برنامه ریزی منطقه ای با هدف توسعه و کاهش نابرابری منطقه ای، از موضوعات و بحثهای بسیار مهم و جدی در کشورهای در حال توسعه می باشد. لازمه برنامه ریزی منطقه ای، شناسایی جایگاه مناطق و استانها نسبت به یکدیگر از لحاظ شاخص های مهم توسعه است. تا نابرابری و تفاوت های منطقه ای آنها نسبت به هم مشخص شود. شناخت و درک تفاوت های موجود میان مناطق و استانهای مختلف ایران از نظر میزان برخورداری آنها از امکانات، فعالیتها و خدمات گوناگون به منظور شناخت سطح توسعه و محرومیت آنها، میزان فاصله هر منطقه یا استان از اهداف تعیین شده، کاهش نابرابری های منطقه ای، تنظیم برنامه های متناسب با شرایط و امکانات هر منطقه ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

در این پژوهش به بررسی عوامل عمده مؤثر بر نابرابری های منطقه ای استانهای ایران با تاکید بر استان کردستان با هدف شناسایی و تأثیر این عوامل بر نابرابری منطقه ای پرداخته شده است. سوال اصلی پژوهش این است که عوامل مؤثر بر نابرابریهای منطقه ای در بین استانهای ایران به طور کلی و استان کردستان به طور اخص کدامند؟ چارچوب نظری پژوهش، شامل نظریه هایی از جمله قطب رشد، مرکز-پیرامون و تئوری زنگوله ای شکل یا L معکوس است که از دل نظریه های فوق متغیرهای کمبود امکانات زیرساختی و زیربنایی، منابع طبیعی و توانهای محیطی، کمبود امنیت و سیاستگذاری وضعف نظام مدیریتی و برنامه ریزی استخراج شد. جامعه آماری را استانهای ایران در طی سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ تشکیل می دهند. نمونه با جامعه آماری برابر و شامل تمام استانهای ایران می باشد. برای جمع آوری اطلاعات از سالنامه های آماری مرکز آمار ایران و سایر سازمانهای مرتبط از جمله معاونت نظارت و راهبردی ریاست جمهوری استفاده شده است. پس از جمع آوری اطلاعات نیز با استفاده از، روش تحلیل عاملی و رگرسیون دست به تحلیل زدیم. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین زیرساختها و کمبود امکانات زیربنایی با نابرابری منطقه ای رابطه معناداری وجود دارد. و شکاف شدید، بین استانهای کشور طی سالهای مورد مطالعه وجود دارد.

واژگان کلیدی: نابرابری منطقه ای، توسعه، توسعه منطقه ای، امکانات زیرساختی و زیربنایی، سیاستگذاری، ضعف نظام

مدیریتی و برنامه ریزی، منابع طبیعی و توانهای محیطی، امنیت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : کلیات تحقیق
۱-۱- ۱- مقدمه	۲
۲-۱- ۲- طرح مسأله	۳
۳-۱- ۳- اهداف پژوهش	۱۰
۱-۳-۱- ۱- هدف اصلی	۱۰
۲-۳-۱- ۲- اهداف فرعی	۱۰
۴-۱- ۴- ضرورت و اهمیت تحقیق	۱۰
	فصل دوم : مبانی نظری تحقیق
۱-۱- ۱- مقدمه	۱۸
۲-۱- ۲- مفهوم نابرابری و تاریخچه آن	۱۸
۱-۲-۱- ۱- مفهوم دوگانگی	۱۹
۲-۲-۱- ۲- دوگانگی منطقه ای	۲۱
۳-۲-۱- ۳- نابرابری در توسعه منطقه ای	۲۳
۴-۲-۱- ۴- معیارهای تعیین نابرابری منطقه ای	۲۵
۳-۲-۲- ۳- توسعه	۲۸
۱-۳-۲- ۱- مقدمه	۲۸

- ۲۸ مفهوم توسعه ۲-۳-۲
- ۳۶ تعادل منطقه ای ۳-۳-۲
- ۳۷ رویکردها و نظریه های نابرابری منطقه ای ۴-۲-۲
- ۳۸ نظریه های رشد متعادل ۱-۴-۲
- ۴۲ دیدگاه رشد موزون ۲-۴-۲
- ۴۲ نگرش سیستمی ۳-۴-۲
- ۴۳ نظریه های رشد نامتعادل ۵-۲-۲
- ۴۶ نظریه قطب رشد ۱-۵-۲
- ۴۶ نظریه فرانسوا پرو ۱-۵-۲
- ۴۸ نظریه هیرشمن ۱-۵-۲
- ۵۲ تئوری دوگانگی منطقه ای میردال ۱-۵-۲
- ۵۸ نظریه آرتور لویس ۱-۵-۲
- ۵۹ نظریه بودویل ۱-۵-۲
- ۶۴ نظریه مرکز پیرامون ۲-۵-۲
- ۷۱ نظریه علت تجمعی (انباشت) ۳-۵-۲
- ۷۲ نظریه بخشی ۴-۵-۲
- ۷۳ تئوری نئوکلاسیک ها ۵-۵-۲
- ۷۳ نظریه وابستگی ۶-۵-۲
- ۷۳ تئوری L معکوی ۷-۵-۲

- ۲-۵-۸ نظریه رشد منطقه ای مرسوم به نعل اسب وارونه ۷۷
- ۲-۶-۶- تحقیقات انجام شده در مورد موضوع تحقیق ۷۷
- ۲-۶-۱ تحقیقات انجام شده در ایران ۷۸
- ۲-۶-۲ تحقیقات انجام شده در جهان ۸۴
- ۲-۶-۳ نقد و ارزیابی تحقیقات پیشین ۸۶
- ۲-۷-۷- چارچوب نظری تحقیق ۸۷
- ۲-۸-۸- فرضیه های تحقیق ۹۲
- ۲-۹-۹- سئوالات تحقیق ۹۲
- ۲-۱۰-۱۰ مدل نظری تحقیق ۹۴

فصل سوم : روش شناسی

- ۳-۱-۱- مقدمه ۹۵
- ۳-۲-۲- روش تحقیق ۹۶
- ۳-۳-۳- جامعه آماری ۹۶
- ۳-۴-۴- حجم نمونه ۹۶
- ۳-۵-۵- ابزار جمع آوری اطلاعات ۹۶
- ۳-۶-۶- تعریف نظری و عملیاتی متغیرها و شیوه سنجش آنها ۹۶
- ۳-۶-۱- متغیر وابسته (نابرابری منطقه ای) ۹۷
- ۳-۶-۲- تعریف نظری متغیر وابسته (نابرابری منطقه ای) ۹۷
- ۳-۶-۳- تعریف عملیاتی متغیر وابسته (نابرابری منطقه ای) ۹۷

- ۳-۶-۴ تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل ۱۰۰
- ۳-۶-۴ ۱ تعریف نظری متغیر مستقل (منابع طبیعی و توانهای محیطی) ۱۰۰
- ۳-۶-۴ ۲ تعریف عملیاتی متغیر مستقل (منابع طبیعی و توانهای محیطی) ۱۰۰
- ۳-۶-۴ ۳ تعریف نظری متغیر مستقل (سیاستگذاری و ضعف نظام مدیریتی و برنامه ریزی) ۱۰۱
- ۳-۶-۴ ۴ تعریف عملیاتی متغیر مستقل (سیاستگذاری و ضعف نظام مدیریتی و برنامه ریزی) ۱۰۱
- ۳-۶-۴ ۵ تعریف نظری متغیر مستقل (کمبود امنیت) ۱۰۲
- ۳-۶-۴ ۶ تعریف عملیاتی متغیر مستقل (کمبود امنیت) ۱۰۲
- ۳-۶-۴ ۷-۴-۷ تعریف نظری متغیر مستقل (کمبود دسترسی کافی به زیرساختها و امکانات زیر بنایی) ۱۰۲
- ۳-۶-۴ ۸-۴-۸ تعریف عملیاتی متغیر مستقل (کمبود دسترسی کافی به زیرساختها و امکانات زیر بنایی) ۱۰۳
- ۳-۷-۷-۷ پایایی و روایی ابزار ۱۰۳
- ۳-۷-۱ اعتبار و وسیله اندازه گیری ۱۰۳
- ۳-۷-۲ روایی و وسیله اندازه گیری ۱۰۴
- ۳-۸-۸ فنون مورد استفاده در تجزیه و تحلیل اطلاعات ۱۰۴
- ۳-۹-۹ رتبه بندی و سطح بندی استانهای کشور بر اساس شاخص های توسعه ۱۰۴

فصل چهارم : یافته های تحقیق

- ۴-۱-۱ مقدمه ۱۰۸
- ۴-۲-۲ بخش توصیف داده ها ۱۱۱
- ۴-۳-۳ بخش تحلیل استنباطی داده ها ۱۴۲

۱-۳-۴ آزمون آماری عوامل مؤثر بر نابرابری منطقه ای استانهای ایران (تحلیل چند متغیره

رگرسیون).....۱۴۹

۱۵۰ ۲-۳-۴ آزمون آماری عوامل مؤثر بر نابرابری منطقه ای استان کردستان (تحلیل لوجستیک)

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

۱-۵- جمع بندی و نتیجه گیری ۱۵۲

۲-۵- پیشنهادات ۱۵۸

۱-۲-۵ پیشنهادات کاربردی ۱۵۸

۲-۲-۵ پیشنهادات پژوهشی ۱۶۰

۳-۵- محدودیت ها و مشکلات ۱۶۲

منابع و مأخذ ۱۶۳

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۱۱۴.....	جدول شماره ۴-۱.....
۱۱۵.....	جدول شماره ۴-۲.....
۱۱۶.....	جدول شماره ۴-۳.....
۱۱۸.....	جدول شماره ۴-۴.....
۱۱۹.....	جدول شماره ۴-۵.....
۱۲۱.....	جدول شماره ۴-۶.....
۱۲۲.....	جدول شماره ۴-۷.....
۱۲۳.....	جدول شماره ۴-۸.....
۱۲۵.....	جدول شماره ۴-۹.....
۱۲۵.....	جدول شماره ۴-۱۰.....
۱۲۷.....	جدول شماره ۴-۱۱.....
۱۲۹.....	جدول شماره ۴-۱۲.....
۱۳۰.....	جدول شماره ۴-۱۳.....
۱۳۲.....	جدول شماره ۴-۱۴.....
۱۳۵.....	جدول شماره ۴-۱۵.....
۱۳۷.....	جدول شماره ۴-۱۶.....
۱۳۹.....	جدول شماره ۴-۱۷.....
۱۴۰.....	جدول شماره ۴-۱۸.....
۱۴۲.....	جدول شماره ۴-۱۹.....
۱۴۳.....	جدول شماره ۴-۲۰.....
۱۴۴.....	جدول شماره ۴-۲۱.....

۱۴۵.....	جدول شماره ۴-۲۲.....
۱۴۶.....	جدول شماره ۴-۲۳.....
۱۴۶.....	جدول شماره ۴-۲۴.....
۱۴۷.....	جدول شماره ۴-۲۵.....
۱۴۸.....	جدول شماره ۴-۲۶.....
۱۴۹.....	جدول شماره ۴-۲۷ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش Enter.....
۱۵۰.....	جدول شماره ۴-۲۸ نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک.....
۱۵۰.....	جدول شماره ۴-۲۹ نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک.....
۱۵۰.....	جدول شماره ۴-۳۰ نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک.....
۱۵۱.....	جدول شماره ۴-۳۱ نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک.....

فهرست نقشه ها

صفحه	عنوان
۱۱۷.....	نقشه شماره ۴-۱: رتبه بندی استانهای کشور در سال ۱۳۷۵.....
۱۲۴.....	نقشه شماره ۴-۲: رتبه بندی استانهای کشور در سال ۱۳۸۵.....
۱۳۱.....	نقشه شماره ۴-۳: رتبه بندی استان ها ی کشور در سال ۱۳۸۵ از نظر شاخص منابع طبیعی و توانهای محیطی.....
۱۳۴.....	نقشه شماره ۴-۴: رتبه بندی استان ها ی کشور در سال ۱۳۸۵ از نظر شاخص سیاستگذاری و نظام مدیریتی و برنامه ریزی.....
۱۳۶.....	نقشه شماره ۴-۵: رتبه بندی استان ها ی کشور در سال ۱۳۸۵ از نظر شاخص امنیت.....
۱۳۸.....	نقشه شماره ۴-۶: رتبه بندی استان ها ی کشور در سال ۱۳۸۵ از نظر شاخص زیرساخت و امکانات زیربنایی.....
۱۴۰.....	نقشه شماره ۴-۷: رتبه بندی استان ها ی کشور در سال ۱۳۸۵ از نظر شاخصهای ترکیبی تأثیرگذار بر نابرابری توسعه منطقه ای.....

امروزه کشورها و مناطق مختلف جهان جهت رسیدن به توسعه پایدار، رفع عدم تعادل‌های منطقه ای را در سرلوحه برنامه های خود قرار داده اند و در این راستا نیازمند شناسایی امکانات و منابع کشورشان می باشند با توجه به اینکه مناطق و استانها استعدادها و قابلیت های مختلفی دارند و شناخت و آگاهی این موقعیت های مناطق لازمه برنامه ریزی درست در کشورها می باشد. در واقع رسیدن به توسعه پایدار و همه جانبه شناخت موقعیت و جایگاه نسبی استانها و مناطق را از لحاظ منابع و امکانات و قابلیت‌های گوناگون در سطح کشور را ضروری می نماید. در نتیجه در تدوین برنامه های توسعه ملی و منطقه ای در ایران شناسایی قابلیت‌ها و منابع و امکانات استانها ضروری و برنامه ها باید در این راستا باشد.

بیش از ۵ دهه است که از شروع برنامه ریزی توسعه منطقه ای در ایران می گذرد. (مزینی، م. ۱۳۷۵: ۶). گرچه برنامه های توسعه منطقه ای اکثراً با هدف رشد و توسعه متوازن و ایجاد تعادل های بین منطقه ای، با صرف هزینه و زمان زیادی برای مناطق خاص و محروم کشور تهیه شده اند، اما به دلایل مختلف به اهداف غائی و نهایی خود که همانا برونکرد منطقه از محرومیت است، کمتر دست یافته اند. (طرح شناسایی مناطق محروم کشور، ۱۳۷۱: ۷)

در این راستا با مطالعه اسنادی و تحلیل ثانویه و با استفاده از ۲۵ شاخص در سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ بوسیله تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر نابرابریهای منطقه ای استانهای ایران با تأکید بر استان کردستان مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر اینک در سال ۱۳۷۵ بر اساس تقسیمات سیاسی - اداری کشور ۲۵ استان موجود کشور مورد مطالعه قرار گرفته ولی چون استانهای خراسان (رضوی، شمالی، جنوبی)، قم، گلستان و قزوین به ترتیب از استان های خراسان، مرکزی، مازندران و زنجان مستقل شده اند و به تعداد استانهای ایران اضافه شده اند در سال ۱۳۸۵ تعداد ۳۰ استان در کشور مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق در ۵ فصل تنظیم شده است؛ در فصل اول کلیات تحقیق بیان شده و در فصل دوم به پیشینه و مبانی نظری تحقیق و مطالعات تجربی پرداخته شده است. در فصل سوم روش تحقیق و در فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده ها مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، فصل پنجم خلاصه، نتایج پژوهش و پیشنهادات پژوهشی ارائه شده است.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۲- طرح مسأله

نابرابری، با عمر تاریخ زندگی انسان قرین است و در هر برهه ای از زمان به نحوی، به عنوان یک مسئله عمده، گریبان برخی از انسانها را گرفته است. البته، با شروع صنعتی شدن، و به ویژه جنگ جهانی دوم، نابرابری به نحوی از انجا افکار جوامع بشری را به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بیشتر به خود معطوف کرده و عمق نابرابریها در سراسر جهان دائماً رو به افزایش است.

یکی از مهمترین نارسایی های دیدمان (پارادایم) مسلط توسعه، تشدید شکافهای طبقاتی و آشکارسازی ناگزیر و ناخواسته ی آن در ارتباط با ضرورتهای بازاریابی برای کالاهای تولیدی - خواه کالاهای مصرفی و خواه کالاهای فرهنگی - است. تجربه نشان داد که دیدمان (ایده ی) قدیم توسعه که شکوفایی اقتصادی را در اولویت قرار می داد قادر به جلوگیری از فقر همه جانبه نبوده و قابلیت فراهم سازی شرایط اشتغال کامل را نداشته است. به گزارش یونسکو (توجه به رشد اقتصادی به حاشیه نشینی و محرومیت کامل بخش هایی از جمعیت و تسریع روند مهاجرت از روستاها، تنزل کیفیت مسکن شهری، تبدیل حومه شهرها به محله های مسکونی اقلیت مطرود جامعه و نابودی محیط زیست انجامید).

الگوهای مختلف توسعه به طور توأمان هم موجب رشد و خوشبختی و هم اسباب نابرابری و فلاکت شده است و این معمای قرن بیستم و یا پارادوکس توسعه است. از سویی توسعه فرآیندی اجتناب ناپذیر برای رهایی از پوسته های خشک و جامد نظام های کهن و ماقبل صنعتی بوده است و از سوی دیگر کاربست آن به تشدید نابرابریهای اجتماعی منجر شده است که به نوبه خود از طریق گسترش بیگانگی و بی هنجاری و نیز آسیب های اجتماعی تباهی آور نظیر فقر، فحشا، جنایت، اعتیاد و بیماریهای مهلک چون ایدز، تمدن بشری را به مخاطره انداخته است. (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۶۸-۱۶۷).

با این وجود توسعه در یک منطقه به خودی خود منجر به پیشرفت یک منطقه نمی شود بلکه ممکن است پیامدهای منفی را به همراه آورد که شاید پیامدهای مثبت آن را خنثی کند و نابرابریهای گوناگونی از جمله نابرابریهای اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی و نابرابری فرصتها را پدید آورد. برای از بین بردن این نابرابریها چه باید کرد آیا باید توسعه مناطق را بخاطر این نابرابریها فراموش کنیم؟ یا این نابرابریها را ملزوم توسعه بدانیم و باید باشند؟

شاید گفته گینزهاالاً پاسخ سوال ما باشد: "نابرابری آشکار و واضحی در فرصت های اجتماعی و اقتصادی بین مناطق وجود دارد تلاشهایی توسط دولتها برای از بین بردن این نامتوازی یا نابرابریها در رفاه معین می کند که نابرابری صرفاً یک موضوعی نیست که فقط از ساختار طبقاتی نشأت گرفته باشد، بلکه مسئله نابرابری با مناطق جغرافیایی در ارتباط است." (hall، ۱۹۷۴: ۷)

مقصود حال این است که شرایط جغرافیایی مناطق روی نابرابری تأثیر دارد و تنها نمی توان گفت مسئله اقتصادی یا اجتماعی منجر به نابرابری می شود و ممکن است منطقه ای نفوذ بیشتری نسبت به منطقه دیگر دارا باشد شاید به لحاظ ویژگیهای سرزمینی باشد و منطقه ای کیفیت بالاتری نسبت به منطقه دیگر داشته باشد.

"در مراحل آغازین توسعه به دلایلی چون نابرابری در توزیع منابع رشد و پتانسیلهای محیطی در سرزمین، توجه صرف به بازدهی اقتصادی و عدم توجه به توزیع متعادل رشد در سرزمین، فقدان توان (مالی، مدیریتی، اجرایی) لازم برای توسعه یکپارچه سرزمین و نیز نظام تصمیم گیری ناکارآمد و تمرکزگرا، فعالیتها، تأسیسات، زیربناها و جمعیت جذب برخی مناطق شده و برخی دیگر از رشد و توسعه باز می مانند که حاصل این روند عدم تعادل در توسعه منطقه ای و در نتیجه عدم تعادل درآمد سرانه و کیفیت زندگی در مناطق است. (شیخی: ۱۳۸۰: ۱۸۳). هرچه وسعت یک منطقه بیشتر باشد تنوع فضایی آن منطقه نیز بیشتر، یکنواختی و همگنی در پهنه های مختلف آن کمتر خواهد بود با گذشت زمان علاوه بر سازمان فضایی، میزان تنوع و گونه گونی در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و قومی هم بیشتر خواهد شد. در چنین شرایطی برنامه ریزی ملی بدون واسطه برنامه ریزی منطقه ای قادر به شناخت پتانسیل ها و محدودیت مناطق نخواهد بود" (همان منبع: ۱۸۲).

همیشه در توسعه منطقه ای نظام سرمایه داری، برندگان و بازندگان وجود داشته است لکن امروزه، نابرابری بین مکانها (کشورها- مناطق، شهرها) ی برنده و بازنده وخیم تر شده است. (جان رنای شورت، ۱۳۸۶: ۱۲)

بدون شک کاهش ویا حذف نابرابری های منطقه ای یکی از دغدغه های اصلی سیاستگذاران و برنامه ریزان در کشورهای مختلف است. پس ابتدا باید نابرابری منطقه ای را شناخت، عوامل ایجاد آن را بررسی

و عوارض و پیامدهای آن را تجزیه و تحلیل کرد. به طور کلی عوامل گوناگونی از جمله عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و سیاسی، نابرابریهای منطقه ای را ایجاد نموده و آن را تشدید می سازند و رسیدن به تعادل و توازن منطقه ای جزء از طریق شناخت و محاسبه تفاوت‌های منطقه ای میسر نمی باشد. توجه به رهیافت تعادل منطقه ای، کاهش ناهمگونی و ناموزونی، عدم تعادل و توازن و نابرابریهای منطقه ای، سیاستگذاری و برنامه ریزی منطقه ای برای توزیع هدفیایی که برحسب ویژگیهای ساختاری، امکانات و محدودیتهای هر منطقه، تغییر می کنند، مستلزم مطالعه و شناخت خصوصیات هر منطقه با توجه به جایگاه آن در سلسله مراتب سازمان فضایی مناطق می باشد. مناسبترین نقطه شروع برای شناخت پدیده نابرابری منطقه ای، مقایسه درجه ی توسعه یافتگی آن منطقه با مناطق دیگر است. شناخت خصوصیات بارز مناطق کم توسعه یافته و خصوصیات که این مناطق را از مناطق توسعه یافته متمایز می کند، در انتخاب روشهای مؤثر در برخورد با نابرابری منطقه ای بیشترین نقش را دارد. اینکه آیا برای کاهش نابرابری منطقه ای ارائه طرح های ویژه لازم است یا می توان به وسیله سیاستهای کلان اقتصادی در کنار دیگر اهداف اقتصادی نابرابریهای منطقه ای را نیز کاهش داد، یا شاید ترکیبی از این دو روش را باید برای رفع عدم تعادل‌های منطقه ای برگزید، به تمامی تابع خصوصیات اقتصادی - اجتماعی نابرابری منطقه ای است .

نابرابری منطقه ای معضلی است که نه تنها موجب شکاف عمیق مناطق با هم و در نتیجه تفاوت در کیفیت زندگی مردم مناطق مختلف با هم شده است بنابر این یکی از دلمشغولیهای سیاستگذاران و برنامه ریزان و دست اندرکاران کشور شناخت ابعاد ، علل و عوارض نابرابری منطقه ای جهت مبارزه با این آفت می باشد از این جهت در زمینه نابرابری مناطق و استانها بررسی ها و مطالعاتی توسط دستگاه های اجرایی و موسسات آموزشی و دانشگاهی صورت گرفته است. این مطالعات با همه سودمندی خود، اغلب حول چند متغیر محدود و یا یک دوره زمانی کوتاه مدت متمرکز بوده اند و به علت سطحی بودن ، نامطمئن بودن آمارهای مندرج در آنها زیاد قابل اتکاء نیستند و از همین رو عاری از جامعیت یا تبیین‌های پویا هستند. این نکته قابل توجه است به رغم حساسیت موضوع، هنوز تحقیق جامعی که بنا به شرایط زمانی و مکانی و موقعیت های متفاوت که بتواند این مفهوم را شفاف نموده و ارائه راه حل دهد انجام نگرفته است. توزیع ناموزون استانی امکانات و فعالیتها و وجود نابرابریها و شکاف توسعه هم در بین استانها و هم در درون استانها همواره به عنوان یکی از دلمشغولیهای سازمانها و نهادهای اجتماعی - اقتصادی

مطرح بوده است. هم اکنون نیز عدم تعادل‌های بین استانی در فرآیند توسعه در ایران از موضوعات جدی است که در سالهای اخیر مورد توجه محققین قرار گرفته است. علیرغم انجام مطالعات گسترده در حوزه‌های مختلف و تحلیل ابعاد منطقه‌ای توزیع منابع، امکانات و خدمات و استفاده از الگوهای تکنیک‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از شاخص‌ها به عنوان روشی کارآمد برای برنامه‌ریزی توسعه، متأسفانه هنوز مطالعه‌ای در زمینه توزیع متعادل امکانات و خدمات در سطح مناطق در ایران انجام نگرفته است. وجود نابرابری‌های کمی و کیفی میان عرصه‌های شهری و روستایی و تشدید آنها طی روندهای دگرگون ساز دهه‌های اخیر، ضرورت جستجوی راههای خروج از مسأله و تعدیل نابرابری‌ها را به طور جدی مطرح ساخته است. تضاد میان جنبه‌های کیفی زندگی در شهرها و روستاها و جابجایی مکانی و مهاجرت گروه‌های روستایی به سوی شهرها به امید برخورداری از امکانات متنوع تر و تسهیلات مناسب تر زیستی، نه تنها در حوزه‌های روستایی، که در حوزه‌های شهری نیز باعث مسایل و معضلاتی در ابعاد گوناگون شده است.

به همین دلیل همه کشورها سعی در کاهش نابرابریهای موجود دارند و در این راستا اکثر کشورهای جهان سوم که طی ۵۰ سال اخیر «عرصه کاربست انواع الگوهای توسعه و نوسازی» بوده اند، کوشیده اند تا از طریق اجرای برنامه‌های توسعه، نابرابریهای سرزمینی خود را کاهش دهند؛ اما «بسیاری از راهبردهای تجربه شده در کشورهای جهان سوم که به نوعی بر گرفته از کشورهای غربی و غافل از زمینه‌ها و ساختارهای درونی این کشورها بوده اند، شکاف‌های طبقاتی را عمیق تر و شدیدتر ساخته اند» (ازکیا، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

کاهش نابرابری منطقه‌ای به دلیل داشتن تبعات اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی موضوع مهمی در بیشترکشورها می باشد. "تجربه کشورهای مختلف نشان می دهد که اجرای برنامه ریزی توسعه ملی در کشورهای توسعه نیافته پیامدهای یکسانی نداشته و در اکثر موارد موجب بروز مشکلات و عدم تعادل های منطقه ای گشته است. (صرافی، ۱۳۷۷: ۴۶). ایران بعنوان یک کشور جهان سومی، کشوری پهناور با شرایط جغرافیایی و اقلیم های متفاوت و گوناگون است و این شرایط سبب پدید آمدن چشم اندازهای جغرافیایی متفاوتی شده است و این چشم اندازهای متفاوت جغرافیایی در گذر زمان، فراز و نشیب های

فراوانی را طی کرده است و شاهد تغییرات گوناگونی بوده است به همین سبب امر توسعه در نواحی مختلف یکسان عمل نکرده و نابرابریهای را بوجود آورده است.

در کشور ما ایران به عنوان یکی از کشور های در حال توسعه، توسعه متوازن بین مناطق و استانهای کشور به عنوان یک آرمان بوده و یکی از دغدغه های اصلی دولتمردان و برنامه ریزان خصوصاً پس از انقلاب اسلامی، کاهش نابرابریهای منطقه ای از طریق اجرای برنامه های توسعه بوده است، و در این میان مسأله عدالت سرزمینی و توسعه متوازن منطقه ای یک ضرورت بنیادی به حساب آمده است، اما به دلایل مختلف این اهداف محقق نشده است و هنوز هم نابرابریهای سرزمینی و بویژه نابرابری فضایی و منطقه ای یکی از مهمترین چالش های توسعه کشور قلمداد می شود.

شناخت دلایل و عوامل مؤثر بر توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی یکی از جذابترین و مهمترین موضوعات مطالعات اجتماعی و اقتصادی در نیم قرن اخیر می باشد. محققان و اندیشمندان بسیاری با مطالعات و بررسی های خود تلاش کرده اند که به این پرسش پاسخ دهند که چرا یک کشور، منطقه و یا ناحیه بیشتر از دیگر کشورها، مناطق و ناحیه ها توسعه یافته اند و دلایل و عوامل این نابرابریها و تفاوتهای منطقه ای شناسایی شود. محصول این رویکرد گسترده ی پژوهشگران، نظریه های گوناگونی است که پیشنهاد و طرح شده و امروزه مرجع تئوریک ارزشمند و گرانقدری برای همه کسانی است که در این زمینه به مطالعه می پردازند.

به راستی دلیل عدم موفقیت ایران در زمینه کاهش نابرابریهای سرزمینی مخصوصاً در بین استانها چیست؟ و چرا پس از اجرای چندین برنامه توسعه که یکی از اهداف اساسی آنها، کاهش فقر و نابرابریهای منطقه ای بوده است، ما هنوز شاهد وجود نابرابریها و عدم تعادلها در ابعاد مختلف و در بین استانها و مناطق مختلف کشور هستیم؟

"تزریق دلارهای نفتی به اقتصاد ایران با توجه به ماهیت توسعه ملی (غیر درونزا و متکی به درآمد نفت) موجب توسعه ی بخشهایی از سرزمین به زیان غالب مناطق کشور شد که این روند در دوره های متوالی منجر به محرومیت مضاعف استانهایی چون سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر، کهگیلویه و